

نوشتِ اول

از نام‌ها هم کلمه‌ها مراقبت می‌کنند. و کلمه، وقتی که نامی را نامی کرد، هیچ کلمه‌ای، دیگر نمی‌تواند آن نام را از نام بیندازد. رفت و آمدی که میان کلمه‌ها در متن جاری است زبان ویژه‌ی شاعر و نویسنده است. چگونه بکار بردن و یا آوردن کلمه در سطر. وقتِ نویسش، تأملاتِ ما بر چگونه شنیدن و چگونه دیدن کلمه است که در ذهن، تبدیل به نوعی تربیتِ ذهنی می‌شود. و سبک و سلیقه می‌شود به وقتِ نوشتن.

سلیقه‌ای که روز به روز و یا نوشت تا نوشت می‌خواهد خودش را نوتر کند چون خودش را در راه نو شدن تربیت کرده است و تربیت ادب نیست، عاداتی است، که دانسته، به خواست تبدیل می‌شود و به شدن می‌رسد، و شدن حرکت است. و در حرکت، طبیعتِ تغییر، نوشتن را غیر طبیعی می‌کند و شاعر در نوشتن غیر طبیعی به شعر می‌رسد و انتظار ما از شعر همین است. و گرنه حرف‌های طبیعی در طبیعتِ حرف‌هایی است که ناشاعر مدام تکرار می‌کند، و ویژگی ندارد، و کلمه‌هایی که در ذهن شاعر آمد و شد می‌کنند و مدام به نو شدن می‌اندیشند، دیگر از کسی و یا از شیوه‌ی برخوردِ دیگری با کلمه، فاصله می‌گیرند تا به خودشان برسند و خودشان شوند.

نوشتن گذاشتن چیزی بر صفحه‌ی سفید است. گذاشتن چیزی از خود و یا غیر خود بر صفحه‌ی سفید اگر با دانایی باشد انگیزه می‌سازد در برداشتن آن چیز برای دیگران. و محرکِ نوشتن، حالِ نوشتن است برای آنکه می‌نویسد. و حال اگر باشد، و نگذرد.